خبر

پایان گردهمایی عروسکی‌ها در تهران

اختتامیه این جشنواره شامگاه دوشنبه در تالار اصلی مجموعه‌تئاترشهربرگزارشد.دراین‌مراسم‌دربخش‌برگزیدگان بخش صحنه‌ای (مخاطب نوجوان و بزرگسال)، صالح رجایی برای نمایش «میرزامخنث» برگزیده نمایشنامه‌نویسی وقیس یساقی برای «جک نارن» جایزه بهترین کارگردانی را دریافت کرد. در بخش صحنه‌ای (خردسال و کودک)، هیأت داوران جایزه بهترین نویسندگی و کارگردانی را به امیر شیخ جبلی نویسنده و کارگردان نمایش «هیوا» اهدا کردند. در بخش فضای باز، فرامرز غلامیان برای کارگردانی نمایش «امروز درختی خواهم شد» بهترین کارگردان شد و نمایش «امروز درختی خواهم شد» به‌عنوان نمایش برگزیده انتخاب شد. هیأت داوران همچنین در بخش صد ثانیه‌ای، تندیس جشنواره، دیپلم افتخار و جایزه نقدی را به ندا وفایی برای نمایش «نجات» اهدا کردند. در بخش نمایشنامه‌نویسی، از مجید بوربور برای نمایشنامه «هرچیزی که می‌بینی دستای منه» تقدیر شد و عارف پوردهقان برای نمایشنامه «دختر نارنج و ترنج» به‌عنوان برگزیده معرفی شد. همچنین ستاد جشنواره در بخش اختراعات و دستاوردهای تکنیکی پس از بررسی ۱۳ اثر دریافت‌شده، سیدسعید موسوی راضی را برای اختراع قطعه «نگه‌دارنده باتوم عروسک‌های تلویزیونی» به‌عنوان برگزیده معرفی کرد.

گفت‌وگو با دکتر اکبر صحرایی، نویسنده برجسته دفاع مقدس

هنر جنگیدن و همزمان خندیدن!

جبهه به همان میزان که آوردگاه جنگ بود، عرصه‌گاه زیستن و زندگی نیز بوده است و زندگی بدون خنده قابل دوام نیست

محمد دشتی
گروه فرهنگ و هنر

با آن‌که در سال‌های اخیر آثار نسبتا خوبی به زبان طنز منتشر شده، اما طنز همچنان یکی از حلقه‌های مفقوده حوزه ادبیات دفاع‌مقدس است.

ادبیاتی که نشان داده این ظرفیت را دارد که با استقبال و پذیرش خوانندگان به‌خصوص نسل نوجوان و جوان روبه‌رو شود و سهم کتاب و کتابخوانی را کمی افزایش دهد. با این حال هنوز طنز و آثار مربوطه آن‌گونه که شایسته است جای خود را در سبد آثار مربوط به ادبیات انقلاب و دفاع‌مقدس باز نکرده است. یکی از نویسندگانی که در این سال‌ها تلاش فراوانی برای پر کردن جای خالی طنز و نشاط در ادبیات دفاع‌مقدس داشته است اکبر صحرایی است. متولد ۱۳۳۹ شیراز و از نویسندگان پرکار سال‌های پس از انقلاب است که نوشتن از جنگ و جبهه را ثمره حضورش درسال‌های دفاع‌مقدس و حشر و نشر با قهرمانان سال‌های جنگ می‌داند و بیش از ۴۰ عنوان کتاب حاصل تلاش او در این سال‌هاست. به مناسبت رونمایی از کتاب گزیده طنز دفاع‌مقدس با عنوان «مردن گریه نداره» که در آبان ماه امسال، در دومین کنگره ملی پانزده هزار شهید استان فارس رونمایی شد، گفت‌وگویی با او انجام داده‌ایم. گفتنی است این نویسنده توانمند در سال جاری گواهینامه هنری «درجه یک در رشته داستان‌نویسی» را به‌عنوان بالاترین درجه هنری کشور و معادل دکترا ارزیابی می‌شود، دریافت کرده است.

بدون مقدمه، وارد بحث اصلی بشویم و لطفا برای‌مان از طنز و نشاط و خنده در فرهنگ ایرانی بگویید.

بحث فرهنگ خنده و نشاط با فرهنگ ملی و مذهبی ما ایرانیان عجین است و جای آن در متون کهن ما از رتبه بالایی برخوردار است. به گونه‌ای که می‌توان آن را از زیرساختارهای مهم ادبیات ایران به‌شمار آورد. افرادی مانند سعدی، حافظ، مولانا و دیگر بزرگانی در این سطح، بخش‌هایی از آثار خود را به این موضوع طنز و طنازی اختصاص داده‌اند که بسیار دلنشین و جذاب است. به‌خصوص سعدی که در جزئی‌نگری و ظرایف ادبی، پادشاه کلام و ادبیات است. این امر با فرهنگ ایران نیز همسو و به قولی جفت است. اینجا و در شیراز و به‌خصوص در شب یلدا که به روایتی شب قصه نیز هست، مادربزرگ‌ها در شب‌چله برای خودشان، غوغا و مراسمی دارند که طنز بخشی از جذابیت‌ها و زیبایی آن است. به نظرم کمتر به موضوع طنز یا عام‌تر آن خنده پرداخته‌ایم، در حالی که اقیانوسی است که بی‌پایان موضوع و ماجرا در دل خود دارد که به گمانم پرداختن در رسانه‌ای مثل روزنامه جام‌جم می‌تواند باب گشایشی برای پرداختن بیشتر به آن باشد. البته که پرداخت ادبی یک موضوع نسبت به یک نثر ساده سختی‌های خود را دارد و وقتی بخواهیم چاشنی طنز و خنده را به آن بیفزایم، این کار کمی سخت‌تر، ولی حاصل آن شیرین و جذاب خواهد شد. به همین دلیل هم نویسندگان کمتری به این سمت می‌روند که بخواهند آثار ادبی خود را با طعم طنز ارائه و طنازی را محور کار خود قرار دهند اما بزرگانی مانند مولانا و... هستند که خطر کرده‌اند و در عین حال کلام شیرین خود را پس از عبور از شنیدن و لذت‌بردن نسل‌های گوناگون به دست ما رسانده‌اند و توانسته‌اند از پس قرون و اعصار، آثار دلنشین خود را با طعم طنز و شیرینی کلام، حتی در جان مخاطب امروزی بنشانند. همچنین در دوران معاصر «گل‌آقا» یا زنده‌یاد کیومرث صابری را داشتیم که نمونه‌ای عینی از تأثیرگذاری اثر به زبان طنز و خنده به شمار می‌آید و روزنامه‌ها و مجلات فکاهی در دوران معاصر جایگاه ویژه خود را در این زمینه داشته‌اند. جدای از آن خنده یا ابزار طنز، وسیله بسیار خوبی برای جذب مخاطب امروزی ـ با همه ویژگی‌های خاص این نسل ـ است که نباید از آن غافل باشیم. وسیله‌ای مناسب که می‌تواند نظر مخاطب را برای خواندن قصه و داستان ـ که شاید به نظر برسد نسل‌های حاضر از آن فاصله گرفته‌اند. نیز به خود جلب کند و او را پای سخن نویسنده خوش‌قریحه و توانمندی که کارش را با عطر طنز آمیخته است بنشاند.

به نظر چنین کاری سختی‌هایی هم دارد و مرد میدان می‌طلبد!

همین‌طوراست و سختی این کار آنجاست که نویسنده باید توان خلق لایه‌های مختلف اثر در قالب طنز را داشته باشد که حاصل کار ضمن فاصله گرفتن از لودگی و لفاظی‌های غیرضرور به سمت طنز فاخر و اثرگذار حرکت و خواننده را با خود همراه کند.

با این سختی که قابل پیش‌بینی هم هست، چطور شد که اکبر صحرایی این راه را برگزید؟

حس و برداشت من این است که می‌توان هنر و ظرفیت طنز و نشاط را در حوزه تاریخ معاصر خود، به‌ویژه تاریخ انقلاب، به کار گرفت. به‌خصوص این‌که زمینه برای چنین کاری فراهم بوده و از آن استقبال هم شده است. بعد بحث دفاع‌مقدس است که به گمانم ظرفیت‌های کشف ناشده و تمام‌نشدنی در این عرصه دارد و جای کار فراوان دارد. دلیل این‌که روی بحث دفاع‌مقدس هشت‌ساله تاکید می‌کنم، این است که در فرهنگ دفاع‌مقدس ـ بر عکس آن که نام جنگ روی آن است ـ ما ظرفیت‌های فراوانی داریم که مملو از درونمایه‌های طنز و نشاط و خنده هستند. یعنی در طول هشت سال دفاع‌مقدس یک زندگی ملموس عاشقانه‌ای شکل گرفته بود که طنز و نشاط در لایه‌لایه آن جای ویژه خود را دارد.

سؤال این است که این رخداد ویژه چه خاصی داشته که تعداد زیادی از رزمندگان دفاع‌مقدس را برای سال‌ها در آن فضا حفظ کرده است. مگر جنگ جز سختی، بی‌خوابی، تنش، مرگ، جراحت و دوری از خانه و خانواده چیز دیگری هم داشته است؟! پاسخ این سؤال را این‌گونه به خودم می‌دهم که حتما در کنار آن همه بی‌خوابی، تشنگی، درد و رنج فلسفه‌ای وجود داشته که این خیل عظیم سپاهیان مردمی را در خود نگاه داشته و به آنان معنایی دیگر از زندگی آموخته است که هشت سال دوام بیاورند و با متعرضان به خاک، ناموس و وطن خود بجنگند.

به گمان من این بهانه و دلیل ـ در کنار مسائل دینی و اعتقادی که با هم عجین و همراه شده ـ می‌تواند همان فرهنگ طنز، نشاط و شادی باشد. دستمایه‌هایی عینی و ملموس که من تلاش کرده‌ام در آثار خودم تا حد زیادی نمونه‌ها و نشانه‌هایی از آن را بازتاب دهم و به زبانی که برای خواننده، به‌خصوص خواننده نوجوان و جوان جذاب باشد، بازگو کنم. همین است که من میدان دفاع‌مقدس و حتی ادبیات انقلاب اسلامی ـ واتفاقات ۱۶ تا ۱۸ ماهه دوران ابتدایی انقلاب ـ را دستمایه‌ای مناسب برای تبدیل به متونی می‌بینم که می‌تواند خمیرمایه آن طنز و خنده و شادی باشد.

چطور شد که به وادی نوشتن در حوزه ادبیات دفاع مقدس، آن هم با زبان طنز کشیده شدید؟

من متولد سال ۱۳۳۹ در شیراز هستم و در سن ۱۷ یا ۱۸ سالگی همزمان با آغاز دوران دفاع‌مقدس فرصتی پیدا کردم که هفت تا هشت نوبت این واقعه را به صورت عملی درک کنم و تقریبا از کردستان گرفته تا خوزستان، حضور در بیشتر مناطق عملیاتی را تجربه کردم. من به عنوان رزمنده به جبهه رفته بودم اما پس‌زمینه‌های فکری مرتبط با فیلم، سینما و عکاسی باعث شده بود که در آنجا هم به دنبال نگاه خاص خودم که به نوعی نگاه فرهنگی و روایی به جنگ بود، باشم. با چنین زمینه فکری، وجود افرادی که در آن واویلای جنگ و بگیر و ببند، طنازی‌های خاص خود را داشتند، نظرم را به خود جلب می‌کرد. از همان جا بود که شخصیت «دارعلی» در ذهن من شکل گرفت. شخصیتی واقعی که رزمنده شجاع و موثری بود و در عین حال به دلیل زبان شیرین و طنازی‌هایی که داشت، بچه‌های رزمنده دوست داشتند بیشتر با او باشند. وقتی دارعلی را کشف کردم، همان جا دست به قلم شدم و آنچه را می‌دیدم در «دفترچه‌های خاطرات جنگ» که ستاد تبلیغات جنگ همراه با برگه‌هایی که مخصوص نوشتن وصیتنامه بود و در اختیار بچه‌ها قرار می‌داد، ثبت کردم. این کار به‌خصوص در سال‌های آخر جنگ و با موضوع خاطرات طنز سرعت و حجم بیشتری پیدا کرد و بعد هم که گرد و خاک جنگ فرونشست آنها را تنظیم و با گرفتن مصاحبه‌های تکمیلی از دوستانی که بیشتر در دسترس بودند، این متون را بازنویسی و کامل کردم.

اما باید از این فرصت استفاده کنم و بگویم قبل از آن‌که کتاب‌هایم چاپ شود، به صورت اتفاقی با دو هفته‌نامه تخصصی جنگ یعنی نشریه «کمان» آشنا شدم. اولین کارم را که برای این نشریه ارسال کردم، پس از مدتی نامه‌ای دریافت کردم که نوشته بودند اثر شما برای چاپ انتخاب شده است که به گمانم در شماره ۱۴ کمان که ویژه‌نامه نوروز آن هم بود، چاپ شد. این اتفاق تلنگری بود که با خودم بگویم این آثار قابلیت چاپ و انتشار دارد. بعد از آن هم برخی آثارم در نشریات و مطبوعات چاپ شد و به خصوص نشریه کمان در ۲۰۰ شماره خود حدود ۴۰ اثر من را چاپ و منتشر کرد. آثاری که عمدتا در حوزه فرهنگ خندیدن و با محتوای طنز بود و مورد توجه مخاطبان نیز قرار گرفته بود.

اگر موافق هستید، کمی هم در باره کتاب‌های‌تان، به‌خصوص چند کتاب اولی که چاپ شد، صحبت کنیم. این‌که چه اتفاقی رخ داد که به قول خودتان تصمیم گرفتید خرده‌نوشته‌های روزانه جنگ را تبدیل به کتاب کنید.

بله؛ حتما. درواقع باید بگویم که نویسندگی را به شکل حرفه‌ای از اواسط دهه ۶۰ شروع کردم و در همان سال‌ها بود که تلاش کردم ذوق و مهارتم را در داستان‌نویسی محک بزنم. البته همان‌گونه که اشاره کردم، دفاع‌مقدس و جنگ، یا به عبارت درست‌تر، آدم‌های پیرامون من یک جورهایی مشوقم شدند و چون زمینه‌های ادبیات، موسیقی و سینما هم در وجودم بود به نوعی به این مسیر که برخی آن را مسیر حرفه‌ای می‌دانند، کشیده شدم. من هم مثل بسیاری از نویسندگان دیگر تلاش کردم از تجربه‌هایم بنویسم اما آنچه باعث شد بعدها به وادی طنز کشیده شوم، در حقیقت همان آدم‌های طناز و دارعلی‌هایی بودند که به من انرژی، الگو و خوراک ادبی دادند تا بتوانم آنچه را دیده و تجربه کرده بودم، در قالب کتاب‌های متنوع که طنز در آن غلبه داشت، به نگارش در بیاورم و عرضه کنم. همان‌طور که قبلا هم اشاره کردم، نوشتن مطالبی درخصوص خاطرات شهدا و اتفاقات روزانه که آن روزها برای خودم بیشتر از هر کسی جذابیت داشت را در جبهه شروع کردم. البته شانس را هم داشتم که کارم دیده شود و نشریاتی مثل کمان که به صورت تخصصی به جنگ و ادبیات جنگ می‌پرداختند، خیلی کمک کردند که بتوانم آنچه را شاید ابتدا برای تفنن و سرگرمی خودم نوشته بودم، برای مخاطبی که بعدها متوجه شدم چقدر شیفته و تشنه خواندن است، در قالب کتاب تحریر کنم. البته به مرور متوجه شدم که این کار چقدر جدی است و ضمنا این فرصت و موقعیت را پیدا کردم که از دور به اتفاقات روزمره‌ای که شاید در زمان خودش آن‌قدر جدی نبود، نگاه کنم و به اصطلاح دقیق‌تر مسائل را مورد کند و کاو قرار دهم. خوشبختانه با شکل‌گیری کنگره‌های استانی شهدا، زمینه بهتری ایجاد شد که نشان می‌داد این مسائل و از جمله نوشتن برای شهدا و دفاع‌مقدس در برنامه‌های کاری مربوطه قرار دارد و همین موضوع باعث شد که تصمیم بگیرم این خاطرات گاه پراکنده را جمع و تبدیل به

برش

روایت شیرینی‌های دفاع مقدس در قالب طنز

جالب است که بگویم تجارب زیسته من و هم نسلانم حاکی از آن است که جبهه به همان میزان که آوردگاه جنگ بود، عرصه‌گاه زیستن و زندگی نیز بوده و طبیعی است که زندگی بدون خنده و بدون لحظات خوش و خرم قابل دوام نیست، همچنان که صحنه‌ای آنچنان هیچ‌گاه بدون اشک و اندوه و عزا هم نبوده است. اما مشکل اینجاست که روایت عمده در ادبیات دفاع‌مقدس روایتی به دور از طنز است، که این امر فاصله‌ای طولانی با حقیقت جنگ دارد و دلیل عمده نوشتن من به زبان طنز، پرکردن چنین فاصله و خلایی است. بدون‌شک دفاع مقدس، یکی از مهم‌ترین و تأثیرگذارترین مقاطع تاریخ معاصر ایران است که نه‌تنها بر سرنوشت کشور، بلکه بر زندگی نسل‌های بعد از آن نیز تأثیر گذاشته است و به همین جهت انتقال مفاهیم و ارزش‌های مرتبط با این دوران به کودکان و نوجوانان، امری ضروری و حیاتی به‌شمار می‌آید. یکی از راه‌هایی که می‌توان این مفاهیم عمیق و گاه سنگین را به گونه‌ای جذاب و قابل فهم برای نسل امروز ارائه داد، ادبیات ژانری و ژانر طنز است. طنز، این حلقه مفقوده در ادبیات دفاع‌مقدس، با ایجاد فضایی شاداب و سرگرم‌کننده، می‌تواند با احساسی و سنگینی موضوع را کاهش دهد و به کودکان و نوجوانان این امکان را بدهد که با نگاهی متفاوت به وقایع جنگ بنگرند. این نوع ادبیات می‌تواند احساس همدلی، شجاعت و فداکاری را در دل آنها بیدار کند و در عین حال، ایشان را به تفکر انتقادی و خلاقیت نیز تشویق نماید. علاوه‌براین، استفاده از طنز در روایت داستان‌های دفاع‌مقدس می‌تواند به تقویت حس هویت ملی و تاریخی در نوجوانان کمک کند و با پرداختن به چالش‌ها و ماجراهای دوران جنگ به‌صورت طنزآمیز، به آنها یادآوری کند که حتی در سخت‌ترین شرایط نیز امید، دوستی و همکاری و شادی نقش‌آفرین و ضروری است.

قاب

گوهر گره در موزه ملک

نمایشگاه گوهر گره ۲، دومین نمایشگاهی است که با محوریت مجموعه آثار اهدایی مرحوم حسین زمرشیدی، هنرمند برجسته حوزه معماری سنتی ایران به کتابخانه و موزه ملی ملک، موقوفه فرهنگی آستان قدس رضوی در پایتخت، در این مجموعه دایر شده است. در این نمایشگاه، ۱۸ تابلو از طرح‌های کاشی‌کاری خلق شده به دست شادروان زمرشیدی، وسایل شخصی این هنرمند از جمله پنج تندیس، ۶ لوح تقدیر و منتخبی از کتاب‌های اهدا شده وی به این موقوفه، در معرض دید علاقه‌مندان گذاشته شده است. حسین زمرشیدی، معمار سنتی‌کار برتر ایرانی و عضو ثابت گروه معماری فرهنگستان هنر بود.

نگاره

نمایشگاه گروهی «جهانِ معاصر» برپا می‌شود

نمایشگاه گروهی هنرهای تجسمی «جهانِ معاصر» با شرکت ۳۴ هنرمند در رشته‌های مختلف هنرهای تجسمی جمعه، هفتم دی‌ماه در گالری خورشید برگزار خواهد شد. آرش رئیسیان، اکرم لک، الهه فتاحی، الیزا نوین، آناهیتا دورودیان، آنیسا براقی، آهو حسینقلی‌زاده نوین، آیدا عطایی‌فرد، بهاران بیرانوند، پروین زنگی‌آبادی، پونه ابدالی، رقیه ایزدپور، زهرا باقری، زهرا عزیزی، سونیچکا بهروزفر، شادی کبودوندی، غزل ذاکری، غزل سیفی آزاد، فاطمه تقی‌پور جاوی، فاطمه فیضی لنگرودی، فاطمه مرادی، فربد نجفی جوزانی، مجید واحدی، مرسانا رئیسی، مریم معینی، ملیحه نجفی، منا طرفه، مهرناز شاه بختی، مهیار اکبری فامیله، معصومه منیری داش آتان، مینا شریفیه، نادره نژادپور حسین، نسیمه نحوی، هستی فرجی متنق در این نمایشگاه شرکت دارند. علاقه‌مندان به هنرهای تجسمی برای تماشای ۴۷ اثر راه‌یافته به «جهانِ معاصر» می‌توانند از روز جمعه، هفتم دی تا روز دوشنبه، ۱۰ دی ماه از ساعت ۱۶ تا ۱۹ به گالری خورشید مراجعه کنند.

رویداد

مسئول جدید نهاد کتابخانه‌های عمومی

وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی در حکمی آزاده نظربلند را به‌عنوان دبیرکل هیأت امنای نهاد کتابخانه‌های عمومی کشور منصوب کرد. طبق اعلام مرکز روابط عمومی و اطلاع‌رسانی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، در متن حکم سیدعباس صالحی خطاب به آزاده نظربلند آمده است: نظر به شایستگی و سوابق مرتبط سرکارعالی و پیرو حکم رئیس محترم جمهوری اسلامی ایران در تعیین اعضای محترم هیأت امنای کتابخانه‌های عمومی کشور و به استناد ماده (۲) قانون تأسیس و نحوه اداره کتابخانه‌های عمومی کشور، بدین‌وسیله به‌عنوان «دبیرکل هیأت امنای نهاد کتابخانه‌های عمومی کشور» منصوب می‌شوید. گفتنی است، آزاده نظربلند دارای دکترای کتابداری و اطلاع‌رسانی است و از جمله سوابق مدیریتی و اجرایی وی می‌توان به معاون کتاب و فرهنگ مؤسسه خانه کتاب و ادبیات ایران، معاون فناوری و اطلاع‌رسانی خانه کتاب و ادبیات ایران و... اشاره کرد.